

# رسمی بایبار علم ارتباطات

**گفتگو با**  
**دکتر کاظم معتمدنژاد**  
**استاد دانشگاه علامه طباطبایی**

گفتگو با دکتر کاظم معتمدنژاد با خیلی‌های دیگر متفاوت است. پیش از این سابقه نداشت که قبل از رو در رو شدن با یک مصاحبه شونده، حال و روز دانشجویی را داشته باشم که به شبهای امتحانش نزدیک می‌شود. بی‌تردید یک خبرنگار و یا گزارشگر برای نشستن در برابر «معتمدنژاد» بسان دانشجویی است که امتحان سختی پیش رو دارد و برای رهایی از آن راهی جز توسل به کتاب و نظریات استاد متصور نیست. هم از این روست که معتقدم مصاحبه با اساتیدی در حد دکتر کاظم معتمدنژاد تفاوت اساسی با بسیاری از مصاحبه‌های منتشره در مطبوعات دارد. اگر برای گفتگو با یک شخصیت سیاسی و اجتماعی فعال، با نگاهی به پیرامون و اندکی غور در امورات روزمره می‌توان به گپ و گفتگو نشست و حاصل آن را در فضای به شدت سیاست زده امروز منتشر کرد اما برای گفت و گو با «استاد» علوم ارتباطات ایران چنین راه و روشی هرگز نتیجه نمی‌دهد و شاید «گله» برخی اساتید از بعضی مصاحبه و گزارش‌های مطبوعاتی نیز به نبود و یا کمبود «مطالعه» در بین جامعه مطبوعاتی امروز باز می‌گردد. «مطالعه» ای که برای تهیه مصاحبه با اساتیدی از این دست فرصتی بیش از دیگر فعالیت‌ها و سبک‌های مطبوعاتی می‌طلبد. معتمدنژاد در بیرجند و در یک خانواده فرهنگی متولد شد و اگر چه تحصیلاتش را تا سال پنجم متوسطه در این شهر گذراند اما دیپلم را در سال ۳۲ در دبیرستان مروی تهران اخذ کرد و بلافاصله به دانشکده حقوق دانشگاه تهران راه یافت و فارغ‌التحصیل نشد تا دکتری دریافت کند. در سال ۱۳۳۹ او دیگر دکتر کاظم معتمدنژاد بود اما با چنین عناوین و

گفت و گو: محمد رضایی



ما نسبت به کشورهای منطقه از نظر روزنامه‌نگاری وضع خوبی داریم و اصلاً درست هم نیست که خودمان را با فرانسه و انگلیس و دیگران مقایسه کنیم آنها نان تجربه‌شان را می‌خورند. سطح کلاسهای درس ما اگر نکوییم بالاتر از آنهاست، باید بگوئیم که کمتر نیست. آنچه که ما تدریس می‌کنیم و کارهای تحقیقاتی که دانشجویان ما انجام می‌دهند نسبت به آنها عقب نیستیم و در خیلی از زمینه‌ها جلوتر هستیم برای اینکه ما در روزنامه‌نگاری به تمام دنیا توجه داریم در حالیکه آنها از وضع داخلی خودشان بیشتر می‌گویند

درجانی سیراب نشد و شاید به همین خاطر بود که دکتری علوم سیاسی و دکتری تخصصی روزنامه‌نگاری را نیز در سال ۴۳ از دانشگاه پاریس دریافت نمود و لقب استاد دانشگاه‌های ایران و فرانسه را از آن خود کرد. دکتر معتمدنژاد یکی از بنیانگذاران علوم ارتباطات در ایران، هم اکنون این رشته را در مقطع فوق لیسانس و دکتری در دانشگاه علامه طباطبایی تدریس می‌کند. درجه «۲۴» استادی ارتباطات مرتبه‌ای که در ایران تعداد دارندگان آن از شمار انگشتان یک دست هم تجاوز نمی‌کند از آن اوست. امروز به خاطر خدماتی که «استاد» به علوم ارتباطات ایران داشته، شاگردان مکتبش یادشان نرفته که لقب «پدر علم ارتباطات» را به او ارزانی دارند.

ساعت ۴ بعد از روز شنبه بعد از پایان کلاس درس دکتری در طبقه چهارم دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه دور همان میز کنفرانس کلاس، دکتر معتمدنژاد با آخرین دانشجویش مشغول صحبت کردن است. صبر می‌کنم و آن دانشجو که خارج می‌شود خودم را معرفی می‌کنم و گفتگوی مان آغاز می‌شود. آرام است و متین با وقار. در همان آغاز بی‌بردم که چرا دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه حتی آن‌هائیکه با او واحدی را نگذرانده‌اند، بی‌اندازه دوستش می‌دارند. آنچنان آهسته حرف می‌زد که در تمام طول مدت مصاحبه لحظه‌ای «استرس» رهایم نکرده بود «آیا ضبط صوت قادر به ثبت صدای استاد خواهد بود؟» و البته که چنین بود.

● آقای دکتر پیش از اینکه بحث را شروع کنیم بد نیست که از چگونگی تأسیس دانشکده روزنامه‌نگاری در ایران بگوئید؟  
این مسئله به سالهای گذشته باز می‌گردد. در سالهای پایانی دهه ۳۰ من در روزنامه کیهان مشغول به کار بودم و از طریق روزنامه کیهان بورسیه از دولت فرانسه گرفتم و با استفاده از بورس برای تحصیل در حقوق و روزنامه‌نگاری در سال ۱۳۴۰ به فرانسه رفتم و تا سال ۴۴ در فرانسه بودم و چون از مدتها قبل قرار بود روزنامه کیهان دانشکده روزنامه‌نگاری تأسیس کند در آنجا یکی از برنامه‌های من این بود که در این رشته تحصیل بکنم لذا تأسیس دانشکده در سال ۴۳ آغاز شد. در تابستان آن سال من از فرانسه برگشته بودم و به همکاری روزنامه کیهان یک کنکوری در قالب دوره عالی روزنامه‌نگاری پیش‌بینی کردیم و از ۶۰۰ نفر کنکور گرفتیم و از این تعداد ۲۵ نفر را از بین افراد لیسانسیه و دیپلم انتخاب کردیم. پس از آن هم دو کنکور در سالهای ۴۳ تا ۴۵ برگزار کردیم و چون نتایج خوب بود و این افراد در روزنامه کیهان کارآموزی می‌کردند، فکر کردیم که وقتش است که امتیاز تأسیس دانشکده روزنامه‌نگاری را بگیریم و به همین جهت روزنامه کیهان اقدام کرد و مدیر وقت روزنامه که استاد دانشکده حقوق هم بود و قبلاً نیز در سال ۳۴ تصمیم داشت در کنار دانشکده حقوق دانشکده روزنامه‌نگاری تأسیس کند، مصمم شد که حال در سال ۴۳ این دانشکده را در کیهان تأسیس کند و به همین جهت پس از دو سال تجربه در سال ۴۵ از شورای مرکزی دانشگاه تقاضا کردیم و پس از چندی تلاش، اجازه تأسیس دانشکده را البته نه با نام دانشکده و نه با نام عنوان روزنامه‌نگاری، بلکه با عنوان موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی گرفتیم و از مهر ماه ۴۶ در همین ساختمانی که الان نشستیم، دانشکده را با همین عنوانی که عرض کردم دایر کردیم تا اینکه سال ۵۰ اولین فارغ التحصیلان ما لیسانس گرفتند.

#### ● از همکاران اولیه‌تان هم یاد بکنید.

ایشان در تأسیس دانشکده نقش بسیار مهمی داشتند همچنین آقای دکتر نطقی که در شرکت نفت کار می‌کردند به تقاضای مدیر کیهان از شرکت نفت بازنشستگی گرفتند و به دانشکده ما آمدند و مسوولیت روابط عمومی را به عهده گرفتند. آقای دکتر صدرالدین الهی هم که آن موقع در فرانسه تحصیل می‌کردند وقتی برگشتند

مسئولیت گروه روزنامه‌نگاری را عهده‌دار شدند. آقای دکتر الهی قمشه‌ای که حالا خیلی هم مشهور شدند و کتابهایشان با استقبال مردم رو به رو شده در سالهای آخر، گروه ترجمه ما را سرپرستی می‌کردند. در این میان گروه مدیریت هم دایر کردیم که تا سالهای آخر در کنار رشته‌های روزنامه‌نگاری و روابط عمومی و ترجمه فعال بود.

● آقای دکتر از دوران گذشته که بگذریم و نگاهی به امروز بیندازیم می‌بینیم حضرت‌تعالی در آخرین اترتان «سیر تحول حقوقی مطبوعات جهان» را بررسی کردید، کتاب حقوق مطبوعات شما را که می‌خواندم آنچه برای من جالب بود این بود که با مطالعه این کتاب چون وضعیت حقوقی مطبوعات بسیاری از کشورهای مهم بررسی شدند یک مقایسه‌ای نیز بدست می‌آید. فکر می‌کنید با توجه به آنچه در کتاب فوق به آن رسیدید چه فاکتورهایی مانع رشد روزنامه‌نگاری در ایران هستند، مشکل کجاست؟ خانواده است، جامعه است، دانشگاه و نوع آموزش است؟ واقعاً کدامیک از اینها موانع اصلی رشد روزنامه‌نگاری در ایران هستند؟

○ من چهار مسئله عمده را برای روزنامه‌نگاری خودمان قائل هستم که آن چهار مسئله جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی دارد. اولین مسئله ما ایجاد فضای عمومی مطلوب برای روزنامه‌نگاری است که این در سایه آزادی مطبوعات می‌تواند تامین بشود. برای این که آزادی مطبوعات تامین بشود ما به حاکمیت قانون نیاز داریم؛ یعنی اجرای قانون مطبوعات مندرج در اصل ۲۴ قانون اساسی که از طریق دادگستری باید پیگیری شود؛ یک دادگستری مستقل که قانون را اعمال کند حافظ قانونی آزادی مطبوعات است. ما باید در این زمینه کار کنیم و چون تجربه نداریم و تمرین آزادی نکردیم دچار اشکال هستیم. اگر چه مطمئنم در آینده این مشکلات به تدریج از بین خواهد رفت. چون داریم تمرین می‌کنیم، قطعاً در این تمرین جنبه‌های منفی کم خواهد شد و جنبه‌های مثبت افزایش خواهد یافت. مسئله دوم مسئله استقلال اقتصادی مطبوعات است. همانطور که می‌دانید اکثر مطبوعات ما دولتی هستند. از اول هم دولتی بودند و تاکنون این وضع ادامه دارد یا دولتی هستند و یا مورد حمایت دولت. برای اینکه استقلال مطبوعات تامین شود نشریات باید بتوانند خواننده جلب کنند و به همین جهت وابسته می‌شوند به رکن اولی که عرض کردم یعنی همان مسئله محیط مطلوب فعالیت مطبوعات و حمایت قانون از آزادی مطبوعات که سبب می‌شود استقلال اقتصادی هم بهتر تامین بشود یعنی مطالب روزنامه‌ها بهبود پیدا می‌کند، خوانندگان افزایش پیدا می‌کنند، فروش روزنامه‌ها بالا می‌رود و به ازای آن آگهی‌ها هم به روزنامه‌ها جلب می‌شوند و در نهایت وضع اقتصادی‌شان بیشتر می‌شود و می‌توانند روی پای خودشان بایستند و کمک غیر مستقیمی هم از دولت دریافت کنند. پس برای حل مسئله دوم ما نیاز داریم که این دگرگونی‌ها را ایجاد کنیم. مسئله سوم مسئله آموزش تخصصی روزنامه‌نگاری است. روزنامه‌نگاری در این یک قرن اخیر مخصوصاً تحت تاثیر پیشرفتهایی که کرده و اهمیتی که در دنیا پیدا کرده بیش از پیش تخصصی شده

است؛ مثل پزشکی، وکلای دادگستری، قضات و مهندسين معمار. بدین ترتیب روزنامه‌نگاری یک کار حرفه‌ای است و کسی که تحصیلات تخصصی نداشته باشد نمی‌تواند آن را خوب انجام دهد. درست است که ذوق نویسندگی و هنری از لوازم کار روزنامه‌نگاری است اما کافی نیست. بدین جهت افراد باید دوره‌های تخصصی روزنامه‌نگاری را بگذرانند، حال این امر می‌خواهد در دانشگاه دولتی باشد یا خصوصی و یا در مدارسی که خود این حرفه تاسیس می‌کند اما به هر جهت باید این دوره‌ها را افراد بگذرانند که هم جامعه و هم دنیای پیرامون خودشان را بهتر و بیشتر بشناسند تا در انجام وظیفه حرفه‌ای خود دچار اشتباه نشوند. ما در این زمینه تحت تاثیر عوامل گذشته ضعیف هستیم و بدین لحاظ باید آموزش روزنامه‌نگاری و سایر زمینه‌های ارتباطات را تقویت کنیم.

**امیدواریم که بتوانیم از سالهای آینده شرایطی را ایجاد کنیم تا از فارغ التحصیلان دوره دکتری خودمان برای تقویت دانشگاههای دیگر هم استفاده کنیم و علاوه بر دانشگاه تهران که از چند سال پیش این رشته را دایر کرده و به سطح فوق لیسانس رسانده است، امیدواریم در مراکز استانهای بزرگ کشور هم مثل مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و اهواز، این رشته را دایر بکنیم**

● آقای دکتر! برای بهبود آموزش چیزی که مهم است «متخصصان» مورد نیاز است آیا ما از نظر تعداد متخصص در سطحی هستیم که در صدد توسعه آموزش تخصصی روزنامه‌نگاری باشیم؟  
○ ما در سالهای اخیر یعنی از سال ۱۳۶۸ که دوره کارشناسی ارشد علوم ارتباطات را در دانشگاه علامه طباطبایی تاسیس کردیم، توانستیم عده‌ای را آموزش بدهیم و در پی آن، دوره دکتری را نیز از سال ۷۵ تاسیس کردیم. عده‌ای از بهترین فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد ما وارد دوره دکتری شدند و تاکنون توانستیم در مقطع دکتری دو دوره فارغ التحصیل بدهیم که عده زیادی از اینها نیز جذب خود این رشته شدند و تدریس دروس تخصصی را به عهده گرفتند. ما حتی امیدواریم که بتوانیم از سالهای آینده شرایطی را ایجاد کنیم تا از فارغ التحصیلان دوره دکتری خودمان برای تقویت دانشگاههای دیگر هم استفاده کنیم و علاوه بر دانشگاه تهران که از چند سال پیش این رشته را دایر کرده و به سطح فوق لیسانس رسانده است، امیدواریم در مراکز استانهای بزرگ کشور هم مثل مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز و اهواز، این رشته را دایر بکنیم.

اگر این ضعف آموزش تخصصی از بین برود، قطعاً روزنامه‌نگاری متحول می‌شود. در کنار این سه مسئله که در جواب سوال قبلی‌تان

عرض کردم، مسئله چهارمی هم داریم که از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است و آن استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران است. روزنامه‌نگاران باید مثل پزشکان و مثل وکلای دادگستری دارای نظام حرفه‌ای خاص خودشان باشند و قانون این نظام را به رسمیت شناخته باشد. ما برخلاف شرایط گذشته - چون رژیم وقت اجازه نمی‌داد روزنامه‌نگاری به استقلال برسد و کار روزنامه‌نگاری همیشه یک کار متزلزل بود و افرادی که شغل دولتی یا خصوصی داشتند برای بهبود شرایط زندگی‌شان یا برای تحقق ذوق‌های خاص هنری و ادبی‌شان دنبال کار روزنامه‌نگاری می‌رفتند - به افراد تمام وقتی نیاز داریم که تحصیلات تخصصی داشته باشند و کار روزنامه‌نگاری را به عنوان کار اصلی‌شان انتخاب کنند و از آغاز تا پایان، کار را ادامه دهند. ولی چون آن شرایطی که عرض کردم وجود نداشته است، استقلال

## در دو سال اخیر با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «معاونت مطبوعاتی» و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران سعی کردیم مقدمات تحقیق وسیعی را در این زمینه فراهم کنیم که اخیراً بودجه آن هم در وزارت فرهنگ و ارشاد تصویب شده و بزودی کار را آغاز خواهیم کرد. یک گروه ۸ نفره از استادان و متخصصان در این زمینه همکاری می‌کنند و ما مشغول تنظیم نظام حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری هستیم

حرفه‌ای هم تامین نشده است. اگر چه در سالهای اخیر خیلی کوشش کردیم که این استقلال تامین بشود و خوشبختانه با تاسیس انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و سازمان حرفه‌ای دیگر که در کنارش تاسیس شده قطعاً در این زمان شرایط برای ایجاد استقلال حرفه‌ای در کشور فراهم شده است.

● برای عملی شدن شرایطی که فرمودید اقدامی هم از طرف این دانشکده و یا شخص جنابعالی صورت گرفته؟  
○ بله. در دو سال اخیر با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی «معاونت مطبوعاتی» و انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران سعی کردیم مقدمات تحقیق وسیعی را در این زمینه فراهم کنیم که اخیراً بودجه آن هم در وزارت فرهنگ و ارشاد تصویب شده و بزودی کار را آغاز خواهیم کرد. یک گروه ۸ نفره از استادان و متخصصان در این زمینه همکاری می‌کنند و ما مشغول تنظیم نظام حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری هستیم و این ایجاب می‌کند که ما چهار متن تهیه کنیم و وقتی اینها تهیه شده و به تصویب رسید، زمینه لازم برای تحقق استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تامین می‌شود.

● مفاد این طرح چه چیزهایی را شامل می‌شود آیا تمهیدات خاصی در آن نظر گرفته شده؟

○ ما در این طرح پیش بینی کردیم که اولاً قانون خاصی برای استقلال روزنامه‌نگار به تصویب مجلس برسد، یعنی به صورت لایحه تهیه شود و وزارت ارشاد در هیأت وزیران مطرح کند و در صورت لزوم، حکم و اصلاح بشود و به مجلس برود. در این طرح مقرراتی پیش بینی شده که تعریف می‌کند روزنامه‌نگار کیست و به چه کسی اصطلاحاً «روزنامه‌نگار» گفته می‌شود.

همانند آنچه که در مورد پزشکان و وکلای دادگستری وجود دارد، در اینجا گفته خواهد شد: روزنامه‌نگار کسی است که کار اصلی‌اش روزنامه‌نگاری باشد و یک کار فرهنگی در این زمینه انجام بدهد، به طوری که قسمت اعظم درآمد مالی‌اش نیز از آنجا تامین بشود؛ به عبارتی دیگر روزنامه‌نگاری کار فرعی‌اش نباشد. اینکه چه کسانی مشمول این تعریف می‌شوند در قانون بیان می‌شود همچنین اینکه از اعضای تحریریه کدامشان عضو حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خواهند بود همه اینها پیش بینی خواهد شد.

وقتی نظام حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری به تصویب برسد در آنجا پیش بینی خواهد شد که به چه کسانی کارت هویت حرفه‌ای باید داده شود همانطور که نظام پزشکی کارت نظام پزشکی برای پزشکان صادر می‌کند در اینجا نیز به جایی خواهیم رسید که همانگونه که پزشک این کارت را دریافت می‌کند و همه جا کارتش معتبر است و در بیمارستانها قبولش دارند و همانطور که کارت وکالت دادگستری در دادگاه‌ها و مجامع گوناگون معتبر است، کارت هویت حرفه‌ای روزنامه‌نگاری همین وضعیت را خواهد داشت. این کارت با کارتی که موسسات مطبوعاتی و خبرگزاری‌ها صادر می‌کنند. متفاوت خواهد بود؛ کارتی خواهد بود که همانطور که هیأت مدیره کانون وکلا یا هیأت مدیره نظام پزشکی صدور آن را تایید می‌کنند در هیأت مدیره تایید خواهد شد و به همین جهت یک کمیسیون ملی صدور کارت هویت حرفه‌ای به موجب این قانون تاسیس خواهد شد و کمیسیون مشخص خواهد کرد که چه کسانی روزنامه‌نگار شناخته می‌شوند و این زمینه‌ای خواهد شد برای استقلال روزنامه‌نگاران.

● فکر می‌کنید این مسئله به تنهایی تضمین کننده باشد اینکه قانونی صادر شود و کارت معتبر بدهند می‌تواند مشکل استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران را حل کند؟

○ بله، ما در کنارش به یک پیمان کار دستجمعی روزنامه‌نگاران نیاز خواهیم داشت؛ بین انجمن‌های صنفی از یک طرف، کارفرمایان و مدیران سازمانها از سوی دیگر با همراهی وزارت کار و امور اجتماعی. لذا ما خواهیم توانست این پیمان را که سابقه‌اش هم در دوره قبل از انقلاب - بین روزنامه‌های بزرگ وقت از جمله کیهان، اطلاعات، آیندگان و اگر اشتباه نکنم رستاخیز، وجود داشت و در مراحل مقدماتی بود که با فرا رسیدن انقلاب متوقف ماند - بررسی و استفاده کنیم. اما این پیمانها اگر چه لازم است کافی نخواهد بود. ما زمینه دیگری نیز داریم و آن تاسیس «شورای مطبوعات» است. شورای مطبوعات به

زیادی وجود داشته است. به نظرم سرچشمه نواقصی که اشاره کردید مربوط به گذشته است اگر آن وقت روزنامه‌نگاری به معنی حرفه اصلی شناخته و تقویت می‌شد، این گرفتاری‌های بعد از انقلاب را پیدا نمی‌کرد. چون وضع روزنامه‌نگاری در آن دوره متزلزل بود، افراد با استعداد کمتر، دنبال حرفه روزنامه‌نگاری بودند و به همین دلیل روزنامه‌نگاری یک کار فرعی بود. در عین حال چون فعالیت مطبوعاتی محدودتر بود و تعداد روزنامه‌ها کمتر بودند به افراد متخصص کمتری نیاز بود، به عبارتی تعداد متخصص کافی بود. اما در دوره بعد از انقلاب مراحل مختلفی داشتیم و هیچ محدودیتی نبود و در واقع بهار آزادی بود و نشریات وابسته به گروه‌های مختلف سیاسی منتشر می‌شد. بعد از فرارسیدن جنگ و مسایل بعدی، از سال ۶۰ محدودیتها افزایش پیدا کرد و تعداد نشریات کم شد و به جایی رسیدیم که نشریات روزانه به ۳ تا ۴ مورد کاهش پیدا کردند. این روند از سال ۶۸ پس از پایان جنگ رو به بهبود گذاشت تا اینکه بعد از انتخابات دوم خرداد ۷۶، شکوفایی خاصی برای مطبوعات ایران ایجاد شد و در این دوره چون تعداد روزنامه‌ها بالا رفت و نیاز فراوان به همکاران هیأت تحریریه بود، طبیعتاً نمی‌شد انتظار داشت که افراد با تجربه‌ای در مطبوعات کار نکنند. پس اگر نابسامانی و مشکلاتی هم ایجاد شده ناشی از عدم تجربه است و اینکه مطبوعات خیلی سیاست زده شدند در حالیکه اگر ما زودتر به فکر استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران افتاده بودیم، حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری ما مانع این بود که سیاسی شدنش به آن لطمه وارد کند. اصول کار روزنامه‌نگاری با حرفه‌ای بودن می‌توانست سر جای خودش باشد و می‌توانست به جریانهای سیاسی مطبوعات هم کمک بکند اما چون آن استقلال حرفه‌ای وجود نداشت، فکر می‌کنم که لطمات بیشتری را تحمل کرد. به هر حال اگر در آینده استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری تحقق پیدا کند کار سیاسی مطبوعاتی هم می‌تواند در شرایط بهتری صورت بگیرد.

● پس به طور خلاصه می‌شود گفت مطابق نظر جنابعالی، نبود استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری، سیاست زدگی را نیز با خود خواهد داشت قطعاً برای اثبات این مسئله مصداقی هم دارید...

□ بله، در این خصوص می‌توانم مسئله‌ای را برایتان بگویم. ما سال ۷۵ برای اولین بار در روز جهانی آزادی مطبوعات، از نماینده مدیر کل یونسکو دعوت کردیم و در کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبایی مراسمی برگزار نمودیم. آنموقع حتی خبر مراسم روز جهانی آزادی مطبوعات که برای اولین بار در کشور برگزار شده بود در مطبوعات منتشر شد تا اینکه یکسال بعد از پیروزی آقای خاتمی در اردیبهشت ۷۷، ما مجدداً در همین دانشکده این مراسم را برگزار کردیم و عده‌ای از همکاران مطبوعاتی و دست اندرکاران سیاسی در آنجا صحبت کردند. من و یکی دو نفر در آنجا تاکید داشتیم که قدر این آزادی را باید دانست و آزادی را حفظ کرد. من صریحاً آن جا به همکاران و حضار گفته بودم که داشتن آزادی محدود، بهتر از این است که اصلاً آزادی نداشته باشیم. توصیه من این بود که باید به نحوی

این معنی خواهد بود که برای حراست از آزادی مطبوعات و تحقق معیارهای صحیح روزنامه‌نگاری بر اساس استقلال و بی‌طرفی و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری یک شورای منتخب روزنامه‌نگاران و مدیران مطبوعات و جامعه تشکیل خواهد شد که نقش نظارتی خواهد داشت و بدین منظور یک اصول اخلاقی هم تنظیم خواهد کرد. متن بعدی ما نیز اصول اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری خواهد بود که از طریق این شورا به اجرا گذاشته خواهد شد در نتیجه شکایتهای مربوط به مطبوعات قبل از اینکه به دادگاه برود به این شورا خواهد رفت و شورا در کمیسیونهای خودش بررسی خواهد کرد و اختلافات را تا حدود زیادی حل خواهد کرد و در نتیجه مراجعه به دادگاه بسیار کم خواهد شد و اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری نهایتاً تأمین و گسترش پیدا می‌کند. به نظرم با این تمهید، بسیاری از مشکلات که الان بین قوه قضائیه و مطبوعات وجود دارد از بین خواهد رفت.

**وقتی نظام حقوقی حرفه روزنامه‌نگاری به تصویب برسد در آنجا پیش بینی خواهد شد که به چه کسانی کارت هویت حرفه‌ای باید داده شود همانطور که نظام پزشکی کارت نظام پزشکی برای پزشکان صادر می‌کند**

**بعد از انتخابات دوم خرداد ۷۶، شکوفایی خاصی برای مطبوعات ایران ایجاد شد و در این دوره چون تعداد روزنامه‌ها بالا رفت و نیاز فراوان به همکاران هیأت تحریریه بود، طبیعتاً نمی‌شد انتظار داشت که افراد با تجربه‌ای در مطبوعات کار نکنند. پس اگر نابسامانی و مشکلاتی هم ایجاد شده ناشی از عدم تجربه است**

● برای تحقق این طرح، سقف زمان تعیین شده است؟  
□ همه اینها حداقل دو سال طول خواهد کشید.

● آقای دکتر وقتی فضای مطبوعات و کسانی که در آن قلم می‌زنند را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم بخش اعظم آن را نیروهایی تشکیل می‌دهند که روزنامه‌نگاری نخوانده‌اند، چیزی که در دوره‌های گذشته کمتر دیده می‌شد با این حال جالب است که بالا رفتن تجربه آموزش روزنامه‌نگاری در ایران، رشد چندانی برای بدنه مطبوعات را در پی نداشته است. پژوهشی که اخیراً اینجانب روی برگزیدگان جشنواره‌های مطبوعات انجام دادم نشان می‌داد که در سال گذشته از بین ۶۰ برگزیده جشنواره مطبوعات تنها ۴ نفر روزنامه‌نگاری خوانده بودند و مابقی را فارغ التحصیلان رشته‌های فنی، پزشکی و دامپزشکی و دیگر رشته‌های علوم انسانی تشکیل می‌دادند، چرا وضعیت اینگونه است؟

□ ابتدا بگویم که من فکر می‌کنم در دوره‌های قبل هم ایراد



کتاب ماه کلیات / مرداد ۱۳۸۲



عمل کنیم که موجب لطمه خوردن آزادی نشود. متأسفانه در عمل شرایطی ایجاد شد که نتوانستند این ضرورت حفظ تعادل را رعایت کنند و در نتیجه دچار شرایطی شدیم که انتظارش را نداشتیم. امید که بتوانیم بزودی با تقویت مطبوعات حرفه‌ای و روزنامه‌نگاری مستقل مشکلات را از میان برداریم.

● آقای دکتر این مسایلی که برشمردید در مورد صنف روزنامه‌نگاری در عمل و به عبارتی در گود تولید بود و قطعاً روزنامه‌نگاری در تئوری و به تعبیری روزنامه‌نگاری تخصصی عاری از عیب و نقص نیست؛ دانشگاه و نوع آموزش مشکل دارند که نمی‌توانند «روزنامه‌نگار» برای تحریریه تربیت کنند...

○ خوب، علت این مشکل قدری فراتر از این حرفه‌است. به نظرم مشکل اصلی این است که افراد جذب نمی‌شود. ببینید، کنکور ما با کنکور دیگر دانشگاه‌ها مشترک است و تخصصی نیست، این خیلی لطمه می‌زند، چون افراد با استعداد جذب نمی‌شود. در کنکور و انتخاب رشته، ما نخستین انتخاب نیستیم بلکه انتخاب دهم و دوازدهم هستیم، چون افراد این رشته را نمی‌شناسند و بدون اینکه ذوق اینکار را داشته باشند و آمادگی کار روزنامه‌نگاری را داشته باشند، این رشته را تصادفاً انتخاب می‌کنند و به همین جهت ما سر کلاس درس می‌بینیم که از ۳۰ دانشجویی که حضور دارند، تنها ۵ نفرشان ذوق و استعداد این کار را دارند و بقیه آمده‌اند تا فقط یک دوره دانشگاهی را بگذرانند و کارشناس بشوند و بروند، در جاهای مختلف استخدام بشوند و یا اینکه به کار خصوصی روی بیاورند. به همین لحاظ یکی از لوازم بهبود آموزش تخصصی این است که ما کنکور اختصاصی داشته باشیم و بعد از کنکور مشترک سراسری، امتحان جداگانه‌ای برگزار کنیم تا کسانی را که دارای ذوق و استعداد روزنامه‌نگاری هستند، جذب کنیم. همچون یک فارغ التحصیل حقوق که می‌خواهد قاضی شود، باید امتحان مجدد بدهد. یکی از اصلی‌ترین مشکلات ما همین نداشتن کنکور اختصاصی است، در حالیکه در دوره‌های قبل از انقلاب، کنکور را ما خودمان برگزار می‌کردیم. از آغاز تاسیس دانشکده سابق در سال ۴۶ تا ۵۸ که آخرین کنکور را برگزار کردیم کنکور ما اختصاصی بود و به همین جهت کسانی که وارد و خارج می‌شدند افرادی بودند که با عشق و علاقه وارد کار روزنامه‌نگاری می‌شدند. به همین خاطر هم بود که بسیاری از روزنامه‌نگارانی که در کیهان و اطلاعات و خبرگزاری و یا موسسات دیگر مطبوعات بودند کسانی بودند که خودشان رشته روزنامه‌نگاری را انتخاب کرده بودند و با علاقه آنرا ادامه دادند. اما بعد از انقلاب متأسفانه از سال ۶۲ که ما دوباره کلاسها را دایر کردیم، چون کنکور «سراسری» بود، افراد تصادفاً وارد این رشته شدند و در مجموع «سطح» پائین آمد و ما استثنائاً تعدادی دانشجوی علاقمند داشتیم.

● خب البته این معضل به طریقی باید حل شود و آنهم مستلزم این است که اساتید و اهل فن روزنامه‌نگاری پیشنهاد و روشی قابل اجرا برای حل آن ارائه دهند، آیا تاکنون پیشنهادی در این خصوص

به مراجع تصمیم‌گیری اعلام شده است؟

○ بله، ابتدا این را هم توضیح بدهم که انحلال دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی در سال ۵۹ لطمه بزرگی به کار روزنامه‌نگاری وارد کرد. ما از آن زمان تا سال ۶۸ یعنی حدود ۱۰ سال این رشته تخصصی را نداشتیم و از سال ۶۸ بار دیگر توانستیم استقلال این رشته را تأمین بکنیم و رشته علوم ارتباطات اجتماعی با دو گرایش روزنامه‌نگاری و روابط عمومی تاسیس کردیم اما دانشجویان را متأسفانه از طریق کنکور «سراسری» جذب کردیم. اگر چه نسبت به سالهای گذشته کار بهبود یافت ولی باز هم کیفیت کارها بالا نرفت و آنچه ما می‌خواستیم، تحقق پیدا نکرد. حالا امیدواریم با تاسیس دانشکده علوم ارتباطات که از مهر ماه سال آینده شروع به کار خواهد کرد، بتوانیم نواقص و مشکلات کار را از میان برداریم. وقتی یک دانشکده مستقل داشته باشیم که بتواند کنکور اختصاصی برگزار کند و حاکم بر سرنوشت خودش باشد، طبیعتاً با حرفه‌ای‌های روزنامه‌نگاری و مدیران مطبوعات و موسسات دیگر ارتباط جمعی روابط خواهیم داشت و این

**تصمیم داریم که از سال آینده بعد از کنکور سراسری، کنکور اختصاصی هم برگزار کنیم و پس از پذیرفته شدن افراد در کنکور سراسری، از بین شان عده‌ای را با امتحان تخصصی تشریحی انتخاب کنیم. طبیعتاً این امتحان باید آن چیزی که یک روزنامه‌نگار ملزم است بدانند اعم از نویسندگی، ذوق خبرنگاری و عکاسی و فیلمبرداری و مصاحبه را در خود داشته باشد**

تفاهم و همکاری باعث خواهد شد که سطح کار بالا برود و هم موسسات ارتباط جمعی و هم دانشگاهی هر دو بتوانند نتایج بهتری بدست آورند.

● یعنی بلافاصله پس از استقلال دانشکده کنکور مربوط به آن مستقل خواهد شد؟

○ خیر، کنکور فعلاً همچنان «سراسری» خواهد بود ولی تصمیم داریم که از سال آینده بعد از کنکور سراسری کنکور، اختصاصی هم برگزار کنیم و پس از پذیرفته شدن



ما نسبت به کشورهای منطقه از نظر روزنامه‌نگاری وضع خوبی داریم و اصلاً درست هم نیست که خودمان را با فرانسه و انگلیس و دیگران مقایسه کنیم آنها نان تجربه‌شان را می‌خورند. سطح کلاسهای درس ما اگر نگوئیم بالاتر از آنهاست، باید بگوئیم که کمتر نیست. آنچه که ما تدریس می‌کنیم و کارهای تحقیقاتی که دانشجویان ما انجام می‌دهند نسبت به آنها عقب نیستیم و در خیلی از زمینه‌ها جلوتر هستیم برای اینکه ما در روزنامه‌نگاری به تمام دنیا توجه داریم در حالیکه آنها از وضع داخلی خودشان بیشتر می‌گویند. آنها با توجه به سابقه ۱۰۰ ساله مطبوعاتی و سوابق ۱۰۰ ساله آموزش روزنامه‌نگاری طبیعتاً جلو هستند، ما از هند عقب نیستیم، از ترکیه عقب نیستیم و از بسیاری از کشورهای دیگر منطقه نیز جلوتریم و به همین لحاظ هم مذاکراتی را با یونسکو آغاز کردیم که کرسی بین‌المللی علوم ارتباطات را در این منطقه، در تهران تاسیس کنند و تا زمان آغاز به کار دانشکده جدید قطعیتش مشخص خواهد شد. یک کرسی گرفتیم آن شاء الله از پائیز ۸۳ دروس این کرسی شروع خواهد شد. با تاسیس این کرسی می‌توانیم از کشورهای منطقه تا شرق آسیا، کشورهای آفریقایی، کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و حتی ترکیه دانشجوی جلب کنیم. اساتید آن نیز ایرانی خواهند بود، البته از اساتید خارجی هم دعوت می‌کنیم تا با این کرسی رابطه داشته باشند.

#### ● ظاهراً در سالهای گذشته نیز مذاکراتی با یونسکو داشتید که نتیجه نداد؟

بله در سال ۱۳۷۴ در پی تاسیس مرکز مطالعات و تحقیقات ارتباطات بودیم و از طریق یونسکو اقدام کردیم. در همان سال یک هیأت از یونسکو آمدند و ایران و ترکیه و کشورهای آسیای مرکزی را بررسی کردند. چون متأسفانه آنموقع در سطح روابط بین‌المللی نسبت به ایران خوش بینی وجود نداشت، ما را تحت فشار قرار داده بودند و سیاسی برخورد کردند و یونسکو نیز بهانه تراشی کرد و جواب رد داد. اما حال دوباره تحت تاثیر سمینارهایی که برقرار کردیم، نظرشان تغییر کرد. بعنوان مثال یک سمینار در شهریور ۸۰ برگزار کردیم، راجع به کشورهای آسیای مرکزی و غربی و جامعه اطلاعاتی که هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح کشورهای اروپایی و آمریکایی عده‌ای آمدند، نماینده مدیر کل یونسکو نیز شرکت کرد و نتایج خیلی مفیدی در پی داشت. سمینار دوم را نیز در آذر ماه ۸۱ برگزار کردیم که باز هم نماینده مدیر کل یونسکو آمد و پیام مدیر کل را قرائت کرد.

در گزارشی که مدیر کل یونسکو ارائه کرد، تاکید نمود که یک مرکز آموزش و پژوهش ارتباطات برای این منطقه در ایران تاسیس بشود و تصریح کرد که چون در ایران شرایط برای این رشته وجود دارد و کسانی تربیت شدند که در کشورهای همسایه و اطراف نمی‌بینیم، بنابراین اگر از ایران حمایت کنیم بسیار مناسب خواهد بود. به دنبال این گزارش ما فوراً اقدام کردیم و من اوایل اردیبهشت سال جاری به پاریس رفتم و در آنجا مذاکراتی انجام دادیم که در کنار تاسیس آن

افراد در کنکور سراسری، از بین‌شان عده‌ای را با امتحان تخصصی تشریحی انتخاب می‌کنیم. طبیعتاً این امتحان باید آنچیزی که یک روزنامه‌نگار ملزم است بداند اعم از نویسندگی، ذوق خبرنگاری و عکاسی و فیلمبرداری و مصاحبه را در خود داشته باشد.

روزنامه‌نگاری کاری بسیار پرجاذبه است. اگر کسی این کار را کار اصلی‌اش قرار دهد علیرغم زحمت زیاد از کارش راضی است. ما می‌خواهیم چنین افرادی را جمع کنیم؛ افرادی که با عشق و علاقه وارد این کار شده‌اند، کسانی که رشته اصلی خودشان را رها کردند و به روزنامه‌نگاری آمدند، آنها با عقل و عشق، نه به طور تصادفی.

● آقای دکتر علاوه بر اینها که فرمودید ما مشکلات دیگری هم داریم. در واقع ارتباطات در ایران به خیلی چیزهای دیگر نیاز دارد و به تعبیری در حال حاضر با نبود آنها دست و پنجه نرم می‌کند. مثلاً در حالیکه همه رشته‌ها از انجمن‌های تخصصی بهره‌مندند ولی انجمنی به نام «انجمن ارتباطات» در ایران فعال نیست؛ انجمنی که بی‌تردید می‌تواند برخی ضعفهای تخصصی و علمی را رفع کند.

البته، ما در حال تشکیل انجمن هستیم و «انجمن علوم ارتباطات ایران» را تاسیس خواهیم کرد و قطعاً نخستین تاثیر آن، این است که همکاری‌های علمی را بین دانشگاه‌ها گسترش می‌دهد و فارغ التحصیلان را دور هم جمع می‌کند. ضمن اینکه می‌توانیم با کشورهای دیگر مناسبات علمی داشته باشیم و همانطور که انجمنهای علمی دیگر بهره می‌گیرند و زمینه کارشان را تقویت می‌کنند ما هم از آن بهره خواهیم گرفت و خیلی به نظرم جای این انجمن خالی است.

#### ● این انجمن چه وقت تاسیس می‌شود؟

در حال انجام آن هستیم و فکر می‌کنم قبل از تاسیس دانشکده جدید در مهر ماه آینده این انجمن فعال شود. به نظرم با تاسیس آن، خیلی چیزها تغییر خواهد کرد و در واقع جهش خواهیم داشت.

● البته جدای از مشکلاتی که وجود دارد، به نظر می‌رسد در بحث منابع علوم ارتباطات هم چندان غنی نیستیم؛ اعم از ترجمه و تالیف، تفاوتی نمی‌کند. اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین خودمان با دیگر کشورها از جمله فرانسه و انگلیس داشته باشیم، ظاهراً خیلی نگران کننده است...

بله از نظر منابع مشکلاتی هست آنها هم به این علت که تجربه ما کم است، چون دهسال فقط این رشته در کشور تعطیل بود و دوره دکتری را نیز در سال ۷۵ تاسیس کردیم. ما هنوز تجربه نداریم! کشورهای غربی در این زمینه اقبالاً ۱۰۰ سال سابقه دارند. ۱۰۰ سال سابقه لیسانس و ۸۰ سال نیز دارای سابقه دکتری و فوق لیسانس هستند. اگر آنها از ما جلوترند و امکانات متعدد دارند، بخاطر این است که تجربه‌شان زیاد است اما ما تازه شروع کردیم و در آغاز راه هستیم.



کرس، این مرکز هم ان شاءالله ایجاد بشود و امیدواریم تا دو سال دیگر این مرکز نیز در ایران تاسیس شود. ضمناً در سال ۷۵ که اینها [یونسکو] گزارش کردند ما این مرکز را دایر نمی‌کنیم و نمی‌توانیم دایر کنیم، خودمان در دانشگاه علامه طباطبایی به کمک وزارت پست و تلگراف و تلفن یک مرکز پژوهشگاه ارتباطات دایر کردیم که این مرکز الان سه ماه است که با کمک‌هایی که توانستیم از وزارت علوم بگیریم کار خودش را آغاز کرده است. برای این مرکز یک هیأت علمی ویژه پیشنهاد کردیم و کارهایش را شروع کرده است و الان یک برنامه مطالعاتی خیلی وسیع با عنوان «ایران و جامعه اطلاعاتی» شروع کردیم و در حال دنبال کردن آن هستیم.

● آقای دکتر معتمدنژاد در بررسی ضعف علوم ارتباطات ایران اگر از نبود نشریات تخصصی ارتباطات یاد نکنیم در واقع بحث ما تکمیل خواهد شد واقعاً یکی از ضعف‌های این رشته در ایران همین نداشتن نشریات تخصصی است، جز رسانه که فصلنامه است، نشریه فعالی در این زمینه که حداقل ترتیب انتشار ماهانه داشته باشد منتشر نمی‌شود.

○ خیلی خوشحالم که شما مسایل اساسی کار ارتباطات و روزنامه‌نگاری را یادآوری می‌کنید، واقعاً نبودن نشریات تخصصی به ما لطمه می‌زند. فصلنامه رسانه نقش مهمی دارد و در سال‌های اخیر کیفیتش نیز بالا رفته، ولی کافی نیست. ما در این زمینه نیز دو برنامه داریم یکی برنامه انتشار مجله علوم ارتباطات برای دانشکده جدید که آنهم از پائیز آینده شروع خواهد شد. دیگر، نشریه «پژوهش‌های ارتباطات» است که قرار است همان مرکزی که ذکرش رفت، منتشر کند. در این نشریه اساتید ایرانی و خارجی مطلب خواهند نوشت و مقالات اختصاصی در مورد ایران خواهند داشت.

● قطعاً تایید می‌فرمایید وقتی حضرتعالی در کلاس، درس می‌دهید مخاطبان‌تان از ۲۰ نفر فراتر نمی‌رود و اگر همین مطالب در نشریات تخصصی بصورت مقاله منتشر شود تاثیرگذاری و گستره بسیار بیشتر خواهد داشت.

○ بله. اینها همه لوازم ترقی آموزش روزنامه‌نگاری است و همانطور که اشاره کردید با راه‌اندازی این نشریه قطعاً به موفقیت‌هایی دست خواهیم یافت. منتهی یک فرد به تنهایی نمی‌تواند اینهمه کار را انجام دهد و ده الی پانزده نفر بایستی پیگیر این کار باشند. من خودم شخصاً خیلی خوشبینم. البته اینها همه در فضای مساعد به نتیجه می‌رسد و در واقع رکن اول در موفقیت روزنامه‌نگاری وجود «فضای مطلوب» روزنامه‌نگاری است. فضایی که در آن دادگستری از آزادی مطبوعات حمایت کند. من معتقدم مشکلاتی که ما داریم تنها سیاسی نیست بلکه تا حدی ناشی از این است که حقوق مطبوعات در ایران شناخته شده نیست. حتی ما یک مقاله خوب در مورد حقوق مطبوعات نداریم. به همین جهت من در کتاب حقوق مطبوعات نوشتم که این

کتاب مورد چه استفاده‌هایی قرار می‌گیرد. این کتاب یا دروسی که ما در این زمینه داریم اگر برای فارغ التحصیلان حقوق و در دانشکده‌های حقوق تدریس شود، طبعاً در قضات و وکلای دادگستری تاثیر می‌گذارد. اما چون بواسطه میراث گذشته در قبل از انقلاب که نیاز به تشکیل دادگاه‌های مطبوعات نبود و در واقع مسئله نه حقوقی که سیاسی بود و با یک تلفن روزنامه تعطیل می‌شد و یا نماینده امنیتی می‌فرستادند و در هیأت‌های تحریریه کار می‌کردند، اصلاً نیاز به حقوق مطبوعات وجود نداشت. به همین خاطر حقوق مطبوعات در دانشکده‌های حقوق تدریس نشد و الان امیدواریم که این امر جبران شود و به همین جهت برنامه که داریم اجرا می‌کنیم، تاسیس دوره کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات و تکنولوژی نوین اطلاعات در دانشکده حقوق دانشگاه علامه است که برنامه‌اش نیز تدوین شده و در حال تصویب است و در سال ۸۳ امیدواریم در آنجا بتوانیم دانشجویان کارشناسی ارشد را جذب کنیم و این امر خیلی به دادگستری کمک خواهد کرد. هم قضات و هم وکلای جوان دادگستری اگر بیایند این دوره را بگذرانند، قطعاً کیفیت کارشان در دادگستری بالا خواهد رفت. هم برای رسیدگی به پرونده‌ها و هم برای دفاع از متهمین پرونده‌های مطبوعاتی. همه اینها به هم پیوسته‌اند و در کنار هم باید انجام شوند و اگر انجام نشود روزنامه‌نگاری لطمات بیشتری خواهد خورد. ما به مراحل رسیدیم که جامعه آمادگی دارد این کارها صورت گیرد.

● فکر نمی‌کنید علیرغم آنچه گفته شد در زمینه پژوهش‌هایی که اختصاص به مطبوعات داشته باشد نیز ضعف داریم؟

○ بله البته این مسئله دو مشکل دارد یکی اینکه متخصص نداریم و این چند نفری که داریم محدودند. من بارها گفتم حکایت ما حکایت این شعر است «دلبر جانان من برده دل و جان من دلبر جانان من» یعنی فقط تکرار می‌شود. حتی پایان نامه‌ها را اگر نگاه کنید می‌بینید یا من استاد راهنما هستم و دکتر بدیعی و دکتر محسنیان مشاورند و یا برعکس. اما خوشبختانه تعدادی از همکاران جدید که در خارج تحصیل کردند، برگشتند و در دو سال اخیر روی پایان نامه فوق لیسانس اسامی ما کمتر شده است اما در دوره دکتری چون باید «استاد» سرپرست رساله باشد، ناچاریم باز هم خودمان راهنما یا مشاور باشیم. اگر بتدریج دانشجو تربیت کنیم قطعاً کمبود کنونی متخصصان از بین خواهد رفت و یکی از موانع اصلی پژوهش رفع خواهد شد. مشکل دیگر عدم توجه مسوولان بخش‌های مختلف به ضرورت تحقیقات است. برخی مسوولین قبلاً اصلاً متوجه نمی‌شدند که نیاز به چنین تحقیقاتی است البته یا امکان مالی وجود نداشت و یا نیروی انسانی لازم برای مراکز که می‌خواستند کار پژوهشی انجام بدهند نبود. اما حالا بتدریج داریم دوره‌های آموزشی‌مان را تقویت می‌کنیم و امیدواریم زمینه مساعدتر خواهد شد.

بسیار سپاسگزارم از فرصتی که در اختیار ما گذاشتید.

